

۱ پنج سطر اول را از روی درس، با خط خوانا و زیبا بنویس.

یک روز از مادرم

به عهده ی دانش آموز

۲ جاهای خالی را پر کن.

دعا یعنی حرف زدن با خدا.

من دعا می‌کنم که پدر و مادرم همیشه سلامت باشند.

خدایا تو از همه مهربان تر هستی.

۳ کلمه‌های درست داخل کمانک را انتخاب کن و دور آن خط بکش. بعد جمله‌های درست را بخوان.

مینا جلوی آینه (نشسته بود، نشانده بود) و چشم‌هایش را (بسته بود، بسته بودم). مادرش از او (پرسید، می‌پرسد): «چرا چشم‌هایت را (بسته ای، بسته بوده ای)؟». مینا (می‌گفت، گفت، گفته بود): «می‌خواستم (ببینم، دیده بودم، می‌بینم) وقتی (می‌خواهم، خوابانده بودم، خوابیده‌ام) چه شکلی (می‌شوم، بشوم، شوم)».

۴ با کلمه‌های زیر جمله بنویس.

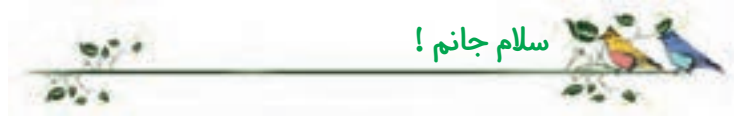
♦ مهربان:

♦ دعا:

♦ دوست:

♦ خدا:

خدایارت!



۱ شش سطر بعدی را از روی درس، با خطّ زیبا بنویس.

دعا می‌کنم پدر بزرگ‌ها و

به عهده‌ی  
دانش آموز

۲ چهار کلمه در درس پیدا کن که هیچ‌یک از حرف‌های آن به هم نچسبیده باشد.

مثال: دوم روز زدن آن دارد

۳ از روی کلمه‌های زیر، دوبار بنویس و هر یک را با صدای بلند بخوان.

حتّی - موسی - عیسی - مصطفی - مرتضی - مجتبی - یحیی.

۴ اگر بخواهی با پدر و مادرت به مسافرت بروی، چه کارهایی باید انجام دهی؟

الف) وسایل شخصی ام را در کیف جمع می‌کردم  
ب) به پدر و مادر در جمع آوری وسایل سفر کمک کنم  
پ) در موقع سفر سعی می‌کنم بچه خوبی باشم





۱ چهار سطر بعدی را از روی درس، با خطّ خوش و زیبا بنویس.

خدا کسانی را که

به عهده ی  
دانش آموز

۲ جمله ها را کامل کن.

به عهده ی  
دانش آموز

(الف) من دعا می کنم

(ب) در موقع دعا

(پ) من همیشه سعی می کنم

۳ با توجه به شکل پایانی کلمه ها آن ها را دسته بندی کن.

قوری_ساری_بازی_گلی	صدای «ای»
هدی_مرتضی_کبری_مجتبی_عیسی	صدای «آ»

کبری- قوری- مجتبی

ساری- عیسی- مرتضی

هدی- بازی- گلی

۴ بنویس برای پیدا کردن دوست جدید، چه می کنی.

به سراغ کسی می روم که با ادب، درس خوان و مهربان باشد





۱ ده کلمه را که در این درس یاد گرفته‌ای، بنویس.

به عهده‌ی  
دانش آموز

۲ کلمه‌های هم‌معنا را پیدا کن و کنار هم بنویس.

حرف - یاری - سعی - مهربانی - محبت - کمک -  
تلاش - صحبت - موقع - زیاد - خیلی - وقت

به عهده‌ی  
دانش آموز

۳ طبقه‌بندی کن.

عمو - پسر دایی - خاله - دختر عمو - پسر عمه - دختر خاله - دایی - عمه - پسر عمو

به عهده‌ی  
دانش آموز

بستگان پدر:

بستگان مادر:

۴ داستان زیر را کامل کن.

گنجشک کوچولو روی شاخه‌ی درخت نشسته بود و از آن بالا، رودخانه را تماشا می‌کرد. او از تنهایی خسته شده بود. ناگهان تصمیم گرفت **سراغ دوستش قورباغه پرود و کمی با او حرف بزند ولی پشیمان شد. چون تا برکه خیلی راه بود. او کنار رودخانه رفت تا کمی آب بخورد که چشمش به یک ماهی قرمز افتاد که در رودخانه بین دو سنگ گیر کرده بود. بال زد و بالا سر ماهی رفت و او را نجات داد و ماهی از او تشکر کرد و گنجشک و ماهی با هم دوست شدند و برای اینکار گنجشک یک دوست جدید پیدا کرد**

خدا نگه‌دارت، عزیزم!





نوشته‌ی زیر را پررنگ کن و زیبا بنویس.

۱

ماه مهربان من، مهر آسمان من، نور دیدگان من، گل بگو و گل بشنو

به عهده‌ی  
دانش آموز

تصویر زیر را رنگ بزن و هرچه دوست داری، درباره‌ی آن بنویس.

۲



ما غذا دادن به پرندگان را دوست داریم. پدر و مادرمان همیشه به می گویند که ما باید با پرندگان مهربان باشیم.

